

بررسی پیامدهای بی‌تقوایی در قرآن

الناز سلطانی^۱

چکیده

تقوا یکی از مهم‌ترین مفاهیم اخلاقی و دینی در اسلام است و در قرآن هم بارها به آن اشاره شده است. به طور خلاصه؛ تقوا در قرآن کلید موفقیت دنیا و آخرت انسان معرفی شده و کسانی تقوا پیشه می‌کنند مورد لطف و رحمت خداوند قرار می‌گیرند و هم‌چنین تقوا باعث آرامش قلب و روشنایی دل می‌شود. و انسان را از آسیب‌های معنوی و اجتماعی حفظ می‌کند و بی‌تقوایی نقطه مقابل آن است که به فضای خارج شدن از محدوده الهی و بی‌اعتنایی به هوای نفسانی اشاره دارد. حال سؤال اینجاست که پیامدهای بی‌تقوایی در قرآن چیست؟ در تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی این نتیجه حاصل شد که انسانی که گرفتار بی‌تقوایی می‌شود، همانطور که در آخرت گرفتار بدبختی و شقاوت ابدی و دوزخ می‌شود، در دنیا نیز گرفتار بسیاری از اموری می‌شود که زندگی را بر او تلخ و دشوار می‌کند. بسیاری از مصیبت‌های بشر به سبب بی‌تقوایی گریبان‌گیرش می‌شود. بی‌تقوایی آثاری را به دنبال دارد. از جمله؛ پیروی از هوای نفس، اختلاف دینی و مذهبی، دنیاگرایی، انحراف و ده‌ها آثار دیگر که در نهایت، انسان را از خداوند، از حقیقت و از سعادت دنیوی و اخروی دور می‌سازد.

واژگان کلیدی : تقوا، بی‌تقوایی، قرآن کریم، پیامد بی‌تقوایی.

مقدمه

تقوا یکی از مفاهیم بنیادین در فرهنگ اسلامی و قرآنی است که نقش محوری در شکل‌گیری شخصیت انسانی و سامان‌دهی رفتار فردی و اجتماعی دارد. واژه تقوا از ریشه «وَقَى» به معنای حفاظت و پرهیز گرفته شده است (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱۵، ص ۳۷۸). و در اصطلاح دینی به معنای نگه‌داشتن نفس از گناه و حرکت در مسیر رفتاری الهی است. فرد با تقوا کسی است که همواره خدا را ناظر بر اعمال خود می‌داند و در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهایش، جانب عدالت، صداقت و پرهیزکاری را رعایت می‌کند. در مقابل، بی‌تقوایی یا ترک تقوا؛ ریشه بسیاری از انحرافات فردی و اجتماعی به شمار می‌رود و در قرآن آمده است: «وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ.» (مائده: آیه ۲۷).

تقوا نه تنها شرط قبولی اعمال است؛ بلکه معیار اصلی برتری انسان‌ها نزد خداوند معرفی شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ.» (حجرات: آیه ۱۳). بی‌تقوایی مضمونی است که در قالب واژگانی چون؛ فسق، فجور، ظلم در آیات قرآن انعکاس یافته و پیامدهای جدی برای فرد و جامعه دارد. این پیامدها گاه در قالب عذاب الهی، گمراهی، انحطاط اخلاقی، فروپاشی تمدن‌ها و محرومیت از رحمت الهی جلوه‌گر می‌شوند. به سبب این جایگاه، بحث از بی‌تقوایی و پیامدهای آن در زندگی ضرورت دارد.

از جمله پژوهش‌ها و مطالعاتی که در این زمینه به نگارش درآمده است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

أ: مقاله «تحلیل محتوایی مفهوم تقوا در قرآن کریم با تأکید بر راه‌کارهای عملی در فرایند خودسازی و مدیریت نفس»، نویسندگان: ملیحه السادات سیدرضا دولابی و معصومه السادات سعیدی حسینی، در انتشارات پژوهش‌های دینی به شماره ۴۹ در سال ۱۴۰۳ چاپ شده است. (هدف این تحقیق؛ استخراج و تحلیل راه‌کارهای قرآنی برای تقویت تقوا در زندگی روزمره می‌باشد).

ب: مقاله «بررسی معنا و مفهوم واژه تقوا در کنار بیان ثمرات و مراتب اکتسابی آن در پرتو آیات قرآن کریم»، نویسندگان: عبدالله حسینی اسکندریان و معصومه رجب نژادیان، در انتشارات فصلنامه تحقیقات

علوم انسانی به شماره ۳۲ در سال ۱۳۹۹ چاپ شده است. (هدف از این تحقیق، بررسی واژه تقوا، معنا و مفهوم آن و سپس آثار و مراتب آن با توجه به آیات قرآن کریم است.)

ج: مقاله «بررسی و تبیین تقوا در سبک زندگی»، نویسندگان: احمدرضا نصر، حسین نظری، علی قاسم‌پور، ستاره موسوی، به شماره ۸۱ در سال ۱۳۹۳ چاپ شده است. (این پژوهش به بررسی تقوا و تدوین تأثیرات تربیتی تقوا بر آموزه‌های قرآن پرداخته‌اند.)

با بررسی در مطالعات و پیشینه‌ی فوق؛ هدف این پژوهش، تحلیل و تبیین بی‌تقوایی در قرآن است. این مقاله می‌کوشد به خوانندگان کمک کند تا با شناخت بهتر پیامدهای ترک تقوا، به سوی تقوای الهی گرایش بیشتری پیدا کنند و از تبعات منفی بی‌تقوایی پیشگیری کنند. در راستای این هدف تحقیق، سؤالات فرعی بیان می‌شود:

- تقوا و بی‌تقوایی در قرآن به چه معناست؟
- پیامدهای دنیوی بی‌تقوایی در قرآن کدام است؟
- پیامدهای اخروی بی‌تقوایی در قرآن چگونه بیان شده است؟

۱. چیستی تقوا و بی‌تقوایی

در ابتدا لازم است مفهوم تقوا و بی‌تقوایی در لغت و اصطلاح بررسی شود.

۱-۱. مفهوم تقوا

تقوا از ریشه (وَقَى) و در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید است (ابن منظور، همان، ج ۱۵، ص ۳۷۸) و در اصطلاح دینی به حالتی گفته می‌شود که انسان همواره در حال مراقبت از خود نسبت به گناهان، نافرمانی خداوند متعال باشد و بر طاعت و بندگی او در تلاش است. به شخص متصف به این صفت متقی نیز گفته می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ؛ ای فرزندان آدم! ما لباسی که شرمگاهتان را می‌پوشاند، و لباسی فاخر و گران که مایه زینت و جمال است، برای شما نازل کردیم؛ و لباس تقوا که انسان را از آلودگی‌های ظاهر و باطن باز می‌دارد بهتر است، و این لباس که با استفاده از آن انسان به سعادت ابدی می‌رسد از نشانه‌های خداست، باشد که متذکر این حقیقت شوند.» (اعراف: آیه ۲۶).

براساس این آیه، تنها لباسی که آدمی را از هرگونه عیب و نقص می‌پوشاند تقوا است؛ زیرا شهوت و هوای نفسانی آدمی را به سوی بسیاری از ناهنجاری‌ها می‌کشاند. به عبارت دیگر؛ انسان با تقوا کسی است که زمانی که در رابطه با مسأله‌ی هدف هستی، خدا و قیامت از او سؤال مطرح می‌شود به فکر فرو می‌رود و می‌اندیشد تا راه درست را انتخاب کرده و در این باب، اندیشیدن تقوا است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۸۰).

برعکس، بی‌تقوایی؛ یعنی دوری از این حالت و ترک پرهیزکاری، که در قرآن کریم با صفاتی همچون؛ غفلت، نافرمانی و سرکش توصیف شده است. برای نمونه خداوند متعال در آیه‌ای در این رابطه چنین فرمودند: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ این کتاب، هدایت برای پرهیزکاری است و آنانی که بی‌تقوا باشند از هدایت الهی دور می‌مانند.» (بقره: آیه ۲).

از این آیه و آیات مشابه می‌توان استفاده کرد که، تقوا شرط بهره‌مندی از هدایت قرآنی و به همان میزان، بی‌تقوایی انسان را از درک هدایت محروم می‌سازد. در تفسیر چنین آمده است که قرآن اشاره به عظمت این کتاب آسمانی کرده و می‌گوید: این همان کتاب با عظمت است که هیچ‌گونه تردیدی در آن وجود ندارد: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ». این عبارت یک ادعا نیست؛ بلکه آنچنان آثار صدق، عظمت، انسجام و استحکام و فصاحت در آن نمایان است که هرگونه وسوسه را از خود دور می‌کند. جالب این‌که گذشت زمان نه تنها طراوت آن را نمی‌کاهد؛ بلکه هر قدم علم به سوی تکامل پیش می‌رود درخشش این آیات بیشتر می‌شود، سپس در ادامه می‌افزاید: این کتاب مایه هدایت پرهیزکاران است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۳۸).

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) در تبیین این مسئله چنین آورده شده است: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ صُونُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ؛ تقوای خدا پیشه کنید و دینتان را با ورع و تقوا حفظ کنید.» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۶، ح ۲). و در روایتی دیگر از امام علی (علیه السلام) چنین نقل شده است که فرمودند: «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةُ مَعَادٍ، وَ عِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛ هر آینه ترس از خدا کلید رستگاری و درستکاری و اندوخته روز بازپسین و آزادی از هر بندگی و رهایی از هر تباهی است.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰).

۲-۱. ویژگی‌های انسان با تقوا

آیات مختلفی در رابطه با ویژگی‌های انسان‌های باتقوا بیان شده است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. خداشناسی و توکل به خدا: انسان با تقوا به قدرت، علم و حکمت خدا ایمان دارد و در سختی‌ها به او پناه می‌برد. خداوند می‌فرماید: «... وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...» و هرکس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت خواهد کرد. (طلاق: آیه ۳).

۲. اجتناب از گناه: تقوا یعنی؛ کنترل نفس. انسان با تقوا سعی می‌کند از گناه حتی گناهان پنهانی دوری کند. خداوند می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ این کتاب (قرآن)، هیچ شکی در آن نیست، راهنمایی است برای پرهیزکاران.» (بقره: آیه ۲).

۳. پرهیز از کارهای ناپسند: انسان با تقوا کارهایی مثل؛ دروغ، غیبت، خیانت، ریا و ... را ترک می‌کند. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «التَّقْوَى اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ؛ تقوا یعنی دوری از کارهای حرام.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۸).

۴. صداقت و راستگویی: صداقت نشانه‌ی ایمان است. انسان باتقوا دروغ نمی‌گوید؛ حتی اگر به ضرر او باشد. حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که می‌فرمایند: «عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ؛ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ، وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ؛ بر شما باد راستگویی؛ زیرا راستگویی به نیکی می‌کشاند و نیکی به محبت می‌برد.» (بخاری، ۱۴۱۱، ج ۸، ص ۲۸).

۵. تواضع و فروتنی: انسان باتقوا خود را برتر از دیگران نمی‌داند. خداوند خود در آیه‌ای از قرآن به این مطلب اشاره دارد: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا؛ و در زمین، با تکبر و سرمستی راه مرو که تو هرگز نمی‌توانی با قدم‌هایت زمین را بشکافی، و هرگز در بلندی قامت نمی‌توانی به کوه‌ها برسی.» (اسراء: آیه ۳۷).

با این اساس؛ انسانیت انسان، به قدرت و ثروت و حتی عقل و علم او نیست؛ بلکه به تقوای الهی است؛ چون باعث می‌شود انسان از کارهای ناپسند دوری کرده و به سوی خوبی‌ها و فضایل حرکت نماید. لذا با این وجود، تقوا در قرآن و دین اسلام، از اهمیت به سزایی برخوردار است. چنان‌که قرآن می‌فرماید: «... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ...؛ پس کرامت انسان، راهی است که بایست در تقوا جست.» (حجرات: آیه ۱۳).

سرزنش کرده یا از کار خود پشیمان می‌شود که این پشیمانی قابل جبران است؛ اما در قیامت نمی‌شود به عقب برگشت؛ چرا که قرآن می‌فرماید: « وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَّبَرًا مِّنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ؛ و آنان که به جای خدا از پیشوایان شرک و کفر پیروی کردند، گویند: کاش برای ما بازگشتی به دنیا بود تا ما هم از آنان بیزاری می‌جستیم، همان‌گونه که آنان از ما بیزاری جستند. خدا این‌گونه اعمالشان را که برای آنان مایه اندوه و دریغ است، به آنان نشان می‌دهد و اینان هرگز از آتش بیرون آمدنی نیستند.» (بقره: آیه ۱۶۷).

آری این چنین خداوند متعال، اعمالشان را به صورت مایه حسرت به آن‌ها نشان می‌دهد؛ اما حسرتی بیهوده؛ چرا که نه موقع عمل است و نه جای جبران آن‌ها هرگز از آتش دوزخ خارج نخواهند شد. براین اساس کسی که بی‌تقوایی ورزد دچار ندامت و پشیمانی است و از این آیه می‌توان به پیامد اخروی بی‌تقوایی پی برد.

۳. راهکارهای ایجاد تقوا

پس از بررسی پیامدهای بی‌تقوایی در زندگی افراد برای آنکه انسان از چنین پیامدهایی در امان بماند راهکارهایی لازم است.

۳-۱. راه کارهای فردی

ارزش هر انسانی در قانونمندی او نهفته است. هرگونه تخلف و قانون‌شکنی، شخصیت و ارزش انسان را پایین می‌آورد. بنابراین انسان با تقواست که خود را در عمل به قوانین اسلام متعهد نموده و از قانون‌شکنی مبرا باشد یا به عبارت دیگر از تمام محرمات اجتناب کند و به تمام فرائض و واجبات عمل کند. پیامبراکرم (صلی الله علیه و آله) در این زمینه می‌فرماید: «عابدترین مردم کسی است که به فرائض دینی عمل کند و باتقواترین اشخاص کسی است که از تمام محرمات دوری گزیند.» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۱۹۵، ح ۱۴).

بنابراین، یکی از شیوه‌های رسیدن به تقوا، محترم شمردن قوانین اسلام است، تا در سایه‌ی آن حقوق خدا و مردم را به رسمیت بشناسیم و از حدود مقرر تجاوز نماییم. یکی دیگر از شیوه‌های کسب تقوا؛ توجه به حضور خدا در هستی است. هر انسان مسلمانی وظیفه دارد که خدا را همه‌جا حاضر و ناظر خود بداند. در این صورت است که از هرگونه خلاف و گناه مصون می‌ماند. جوانی خدمت امام حسین

(علیه السلام) شرفیاب شد و عرض کرده. «ای پسر پیامبر! من جوانی هستم که در هنگام معصیت نمی توانم خود را نگهدارم، چاره چیست. حضرت فرمودند: برو پنج چیز را در نظر بگیر و هرگناهی را دلت خواست انجام بده! ۱. از روزی مقدر الهی استفاده نکن و هر گناهی که خواست بکن. ۲. از ولایت و عنایت الهی خارج شو و هرگناهی که خواستی بکن. ۳. گناه را در جایی انجام بده که خدا تو را نبیند. ۴. در هنگام مرگ جواب ملک الموت را بده و بعد مرتکب گناه شو. ۵. در ورای این عالم داخل جهنم نشو و هر گناهی بکن. جوان مقداری فکر کرد و راه خود را بازیافت و گناهان را پشت سر گذاشت (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۸، ص ۱۲۶، ج ۷).

از سوی دیگر هر مؤمنی وظیفه دارد حسابگر اعمال خود باشد و عمر خود را در بی خبری و غفلت سپری نکند و انبوهی از گناهان را در نامه ی اعمالش انباشه ننماید و بداند که روزی، حسابرس خواهد شد و قبل از آن روز خود را بازجوی کند. اگر چنین کند، مسلماً کمتر گناه خواهد کرد. پیامبر اسلام در بیان نیل به تقوا می فرماید: «ای اباذر! کسی می تواند اهل تقوا باشد که مانند شریک کار، به حساب خود برسد، و توجه نماید که خوراک و پوشاکش از کجا تهیه می گردد، از حرام یا حلال.» (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۶۹۸، ش ۸۵۱).

از جمله مواردی که آن را در حسابرسی به اعمال خود باید مورد توجه قرار گیرد، کنترل زبان و اصلاح آن است. تا بتواند به لباس تقوا آراسته شود و به اوصاف پسندیده های انسانی دست یابد. امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «والله، ما أرى عبداً يتقى تقوى تنفعه حتى يخزن لسانه؛ به خدا قسم هیچ بنده ای را ندیده ام که تقوایش سودمند باشد، مگر اینکه زبانش را نگه دارد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵، ص ۵۷۰).

در پایان می توان نتیجه گرفت که علم و معرفت و التزام عملی به دستورات قرآن و پیروی از اهل بیت (علیه السلام) و الگوهای مطلوب، اجتناب از گناه و نافرمانی الهی، انسان را به معبود خویش نزدیک می نماید و او را به منزلت تقوا پیشگان نایل می گرداند.

۲-۳. راهکارهای اجتماعی

برای اجرایی کردن ایمان در جامعه باید اول از خانواده شروع شود که قبل از هر چیزی باید خانواده ها فرزندان را طوری تربیت کنند که وقتی وارد جامعه شد آگاه باشد که در جامعه چگونه رفتار کند، به راه بی راهه کشیده نشود و اینکه از چیزهایی که انسان را از گناه باز می دارد، زندگی در محیط سالم است و

هر انسانی باید از استعدادهایی که خدا داده در راه درست به کار ببرد و در کارهایی که انجام می‌دهد تفکر کند که عاقبت، کار نیک است یا بد. و هر لحظه به نعمتهایی که خدا داده، تشکر کند.

برای اینکه جامعه با ایمان محکمی باشد. باید رعایت تقوا شود و ایمان تقویت شود. باید در جامعه به جای خیانت و دروغ؛ صداقت و وفای به عهد شکل بگیرد. باید مردم دست نیازمندان را بگیرند نه اینکه حق آن‌ها را پایمال کنند. باید با فساد مبارزه شود و عدالت در جامعه تحقق یابد. او باید حق را از باطل تشخیص داده و آن را جدا سازد. قرآن در این باره چنین فرمودند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ ای اهل ایمان! اگر در همه امورتان از خدا پروا کنید، برای شما بینایی و بصیرتی ویژه برای تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد، و گناهانتان را محو می‌کند، و شما را می‌آمرزد؛ و خدا دارای فضل بزرگ است.» (انفال: آیه ۲۹).

همچنین مواردی چون مسخره کردن دیگران، رعایت حقوق دیگران، رعایت اخلاق دینی و اجتماعی، دوری از ریا باید رعایت شده و بدان عمل شود و برای درمان ماندن از ظلم و فتنه‌هایی که در جامعه است باید به قرآن رجوع کنیم؛ چرا که قرآن کریم انسان را از فرو افتادن در ظلمات و تاریکی نجات می‌بخشد. قرآن نسخه‌ای است که تمام بیماری‌های فردی و اجتماعی بشر را بهبود می‌بخشد و کسی که به آن پناه ببرد هدایت خواهد شد؛ چرا که رسول خدا می‌فرماید: «إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ، كَقَطْعِ أَيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ؛ هنگامی که فتنه‌ها مانند پاره‌های شب تاریک به شما روی آورند؛ بر شما باد روی آوردن به قرآن.» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۱۷۱).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب فوق؛ چنین به دست آمد که تقوا لباسی است که آدمی را از هرگونه عیب و نقص می‌پوشاند، و تقوا پیشه‌کنندگان از پرهیزکاران هستند. نقطه مقابل این فریضه بی‌تقوایی است. و به معنای ترک تقوا و خارج شدن از حدود الهی است، که باعث دوری انسان از خداوند می‌شود. بی‌تقوایی ریشه همه بدبختی‌ها و انحرافات است؛ چرا که پیامدهایی در دنیا و آخرت به بار می‌آورد و این پیامدها علاوه بر زندگی فردی، زندگی اجتماعی انسان را نیز درگیر می‌کند.

از جمله پیامدهای فردی؛ گمراهی از مسیر حق، فقدان رحمت و دوری از خداوند و تنگی معیشت است که باعث سردرگم شدن انسان و بی‌هدف بودن زندگی او می‌شود. در حالیکه انسان می‌تواند راه

تقوا را پیش بگیرد و از این مشکلات به دور باشد و از جمله پیامدهایی که این رذیله اخلاقی می‌تواند در اجتماع به همراه داشته باشد؛ ایجاد فساد، بی‌عدالتی و گسترش ظلم، سلب اعتماد و فروپاشی انسجام اجتماعی، فتنه و بحران‌های اجتماعی است که در اجتماع باعث شود انسان بدون وحدت و اعتماد زندگی کنند و افرادی هم به خاطر این بی‌مبالاتی و فتنه در گرفتاری به سر ببرند و حقشان ضایع شود؛ چرا که برای افراد بی‌تقوا؛ ضایع کردن حق ضعیفان کار آسوده‌ای است. و از جکله پیامدهای اخروی بی‌تقوایی؛ عذاب و ندامت و حسرت است. چرا که خداوند قادر است هرکس را که از مسیر فرمانش منحرف شود و عدالت را رعایت نکند عذاب مقدر نماید.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن منظور، م. (۱۳۷۵). لسان العرب، انتشارات دارصادر.
۲. بخاری، م. (۱۴۱۱). صحیح بخاری، بی نا.
۴. پاینده، ا. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه، انتشارات دنیای دانش.
۵. تمیمی آمدی، ع. (۱۴۱۰). غررالحکم و دررالکلم، انتشارات دارالکتب الاسلامی.
۶. حرعاملی، م. (۱۳۷۲). وسائل الشیعه، انتشارات اسلامیه.
۷. خامنه‌ای، ع. (۱۳۸۸). سایه سار ولایت، دفتر نشر معارف.
۹. طباطبائی، م. (۱۳۶۷). تفسیرالمیزان، انتشارات رجاء.
۱۰. طبرسی، ف. (۱۳۷۴). تفسیر جوامع الجامع، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۱. (۱۳۵۹). مجمع‌البیان، انتشارات فراهانی.
۱۲. قرائتی، م. (۱۳۸۷). تفسیرنور، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۳. کلینی، م. (۱۳۸۵). اصول کافی، انتشارات قائم آل محمد.
۱۴. متقی‌هندی، ع. (۱۴۱۹). کنز العمال، انتشارات دارالکتب العلمیه.
۱۵. مجلسی، م. (۱۳۶۲). بحارالانوار، انتشارات داراحیاء التراث العربی.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، مبانی شناخت، قم، دارالحديث، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ن. (۱۳۵۳). تفسیرنمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. هاشمی رفسنجانی، ا. (۱۳۷۹). فرهنگ قرآن، مرکز انتشارات.

منابع اینترنتی

۱. پایگاه اطلاع رسانی - آیت الله مظاهری. (۱۴۰۰)، بازیابی از <https://hoo.rs/cMckm>.
۲. خبرگزاری فارس، مقاله آثار بی‌تقوایی در زندگی اجتماعی، ۱۳۹۶/۹/۲۰، ۱۵:۴۸.